

صفحات ۱۹۸ - ۱۷۵

## جایگاه و اهمیت کرونا ( شفقت ) در مکتب مهیانه بودایی و مکتب خراسان عرفان اسلامی

فرشته نعیمی<sup>۱</sup>

ابوالفضل محمودی<sup>۲</sup>

### چکیده

کرونا ( شفقت ) از مهم‌ترین ارکان تفکر بودایی است و در تمامی مکاتب از اهمیت خاصی برخوردار است. در فرقه هینه‌یانه ( تهرواده )، کرونا یکی از چهار بره‌مه‌ویهاره ( نگرش متعالی ) است. هر چند که کرونا یکی از مقامات ارهت است اما مشخصه‌ی اصلی او نیست. در فرقه مهیانه، تأکید خاصی بر اهمیت کرونا می‌شود. در این فرقه به جز راه‌های هشت‌گانه برای توقف رنج، راه بدهیستوه را مطرح می‌کنند، آرمان بدهیستوه رهایی همه موجودات از رنج است. به همین دلیل سالک مهیانی نیرواندهی خودش را به تعلیق در می‌آورد و با قلب مشفق عظیم‌اش، همه‌گونه راه و روش را به کار می‌بندد ( اوپایه ) تا انسانهایی که هنوز در تاریکی سیر می‌کنند نجات یابند. مهر بیکران و آرزوی رهایی و نیکبختی که از احساس همدردی و باور به یکسانی ذاتی همه موجودات سرچشمه می‌گیرد، صفت ویژه و برجسته بدهیستوگان است. در عرفان اسلامی مفاهیم متناظر با کرونا ( شفقت، محبت، رحمت و ... ) اهمیت والایی دارد و یکی از عالیترین و مهمترین احوال عارف است که در این مقاله به اهمیت کرونا و مفاهیم متناظر با آن در مکتب مهیانه بودایی و مکتب خراسان عرفان اسلامی پرداخته شده است.

### واژگان کلیدی

کرونا، شفقت، بره‌مه ویهاره، بدهیستوه.

۱. دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات، ایران، تهران.

Email: s.mohamad\_k@yahoo.com

۲. دانشیار گروه ادیان و عرفان، دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات، ایران، تهران. (نویسنده مسئول)

Email: A.mamudi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۶/۱۲

## طرح مسأله

دین بودایی هم‌چون همه‌ی ادیان بزرگ جهان در طول زمان دچار تحول و انشعابات گوناگون گردیده است که در نتیجه‌ی آن سه فرقه اصلی به ترتیب: هینه‌یانه (تهرواده)، مهاییانه و تنتره‌یانه شکل گرفته است. از جمله مفاهیم مهم در میان همه‌ی فرقه‌های بودایی، مفهوم کرونا است که می‌توان آن را به محبت، رحمت، شفقت و مهرورزی ترجمه کرد. مقصود از این تعبیر احساس همدردی نسبت به همه‌ی مخلوقات اعم از انسان و حیوان و نیز بودایی و غیربودایی و حتی دشمنان است. و اما آیا اهمیت کرونا (شفقت) در عرفان بودایی و اسلامی یکسان است؟ البته اهمیت این مفهوم در همه‌ی فرقه‌ها یکسان نیست، در فرقه‌ی مهاییانه که جریان اکثری بودائیان را تشکیل می‌دهد و گاه به بدهیستوه‌یانه (طریقت بدهیستوه) شهرت دارد، اهمیت اساسی دارد. در فرقه‌ی تنتره‌یانه که از دل مهاییانه بر می‌خیزد، این آموزه نقش مهمی دارد. از سوی دیگر در عرفان اسلامی نیز در ادامه‌ی سنتی که پیامبرش را رحمة للعالمین می‌خواند، بر مفاهیم رحمت، شفقت، محبت، مهرورزی، همدردی و غمخوارگی و ایثار و گذشت و مفاهیمی از این دست تأکید دارد. و تعالیم آن مبتنی بر مبانی خاص خود است، هم‌چون وحدت وجود و عشق به خالق که نتیجه‌اش عشق به همه‌ی مخلوقات اوست.

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست

عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

**کرونا:** واژه کرونا، به معنای دلسوزی و شفقت است سوزکی آن را به « Loving kindness» ترجمه کرده است و معادل عشق به معنای اسلامی یا مسیحی نیست بلکه به معنای محبت همراه با دلسوزی است. اما اگر عشق را به معنای قربانی کردن خود به خاطر دیگران بدانیم، در آن صورت این واژه دقیقاً معادل عشق می‌شود.<sup>۱</sup>

در هندوئی به معنای تمامی اعمالی که رنج دیگران را کاهش می‌دهد. در بودایی، کرونا فضیلتی است که در تمامی مکاتب از اهمیت خاصی برخوردار است. اما به طور ویژه

1- Suzuki, D.T , 1907, outline of Mahayana Buddhism , London : Luzac and company , pp. 296 – 297

در مکتب مهاییانه بر اهمیت آن تأکید شده است.<sup>۱</sup>

گوتمه بودا یک آموزگار دلسوز، اشارات زیادی به همدردی و غمخوارگی دارد و این در خطابه‌های مکتب هینه‌یانه آشکار است که به همدلی با برهما و اعمالی که موجب همدلی می‌شود تأکید دارد.<sup>۲</sup> در کانون پالی «سوتره‌ی محبت»<sup>۳</sup> و برخی دیگر متون به این مفهوم پرداخته‌اند که حاکی از اهمیت این مفهوم در دین بودایی از همان آغاز است. در «سوتره محبت» آمده است: «هم چون مادری که جانش در خطر است ولی مراقب تنها فرزندش است، آن چنان بگذار هر کسی محبت فراگیر نسبت به همگان را در وجود خود پیرواند. و بگذار هر کسی نسبت به همه‌ی جهان در بالا و پست و در شرق و غرب بی‌هیچ نفرت و بی‌هیچ دشمنی اراده‌ی نیک و محبت فراگیر داشته باشد.<sup>۴</sup> ایستاده یا نشسته، خوابیده یا در حال حرکت تا زمانی که شخص هشیار است بگذار خود را وقف این اندیشه کند. گویند چنین روش زندگی بهترین در جهان است.<sup>۵</sup>» در دهمه‌پده نیز چندین عبارت به محبت فراگیر و کاربرد آن در غلبه بر خشم و حساست و دروغ آمده است. به جزمات به خشمات، به مهت، به کینات، به بخشش، به حرص خود غالب شو، به حق بر باطل.<sup>۶</sup> هرگز نمی‌توان تنفر را با تنفر از میان برد، تنفر تنها با محبت از میان برداشته می‌شود.<sup>۷</sup> در کانون پالی بودا از لزوم یاری رساندن به دیگران و شفقت نسبت به آنها بارها سخن آمده است. رهروان بودا بیدارند و هوشیار و شوق‌شان، روز و شب، مهربانی با مردم.<sup>۸</sup>

- 
1. Bowker, John (ed), 1997, The Oxford Dictionary of World Religions, New York, Oxford University, p. 537; Irons, Edward A (ed), 2008, Encyclopedia of Buddhism, New York, Facts on File, p. 278; Nyanatiloka, Ven, (ed), 1980, Buddhist Dictionary, Manual of Buddhist Terms and Doctrines, Buddhist Publication Society, p. 154
  2. Aranson, Harvey, 2008, Love and Sympathy in Theravāda Buddhism, New Delhi, Motilal, p. 60
  3. Metta Sutta, Sutta Nipata in Sacred Books of East, 10: p. 24 - 25
  4. Ibid, 10: 10
  5. Ibid, 10: 24 - 25
  6. Dhamma pada the way of truth, translated by Sangharak Shita, Windhorse, Chapter XVII, Anger, 223
  7. Ibid, 1, pairs - 5
  8. Ibid, XXI, The Miscellaneous. 300

در انگوتره نیکایه<sup>۱</sup>، دیگه نیکایه<sup>۲</sup>، سمیوته نیکایه<sup>۳</sup>، و نینه پیتکه<sup>۴</sup>، بیانات مبسوطی از بودا در خبرگی در یاری و شفقت به دیگران آمده است.<sup>۵</sup> در این مکتب بودایی هینه یانه (تهرواده) کرونا یکی از چهار برهمه ویهاره<sup>۶</sup> است. این چهار برهمه ویهاره عبارتند از:

۱- متا<sup>۷</sup> ۲- کرونا<sup>۸</sup> ۳- مودیتا<sup>۹</sup> ۴- اوپگها<sup>۱۰</sup>

**متا:** واژه متا به معنی مهر است، البته مهر همان عشق و محبت نیست. از محبت بیم و اندوه پیدا می شود، حال آنکه در باره ی مهر و دوستی چنین نیست. مهر حالت یک دوست حقیقی به دوست دیگر است. در کانون پالی، مهر یا مهر و دوستی حالتی است که دل را نرم می کند، آزادی دل است. کار رهرو پاسداشت مهر است و اهمّیت فوق العاده دارد. مشهورترین سند بودایی درباره ی مهر، سوره ی مهر است که میلیون ها نفر در جنوب شرقی آسیا هر روز آن را می خوانند. در کتب بودایی مهر دو دشمن دارد: دشمن درونی و دیگری دشمن بیرونی. دشمن درونی او شهوت است و درمانش هم نظاره در زشتی تن است. این زشتی از وجه جسمانیت عارض می شود. دشمن بیرونیش، بدخواهی است. آن گاه که نظاره مهر در دل شکفته نشود، بدخواهی و کینه در دل پیدا می شود. مهر، حالتی است که باید در دل جوانه بزند. متا در مکتب بودا، پایه ای برای پیشرفت اجتماعی است.

**مودیتا:** مودیتا<sup>۱۱</sup> به معنی شاد بودن از کامگاری و شادی دیگران است. مودیتا را چون مهر «آزادی دل» خوانده اند. سالک چون به این مقام برسد یعنی از شادی دیگران شاد می شود. لذت همدردی به معنای لذت در موفقیت دیگران نسبت به دوست و دشمن است.

1. Anguttaranikāya, i : XX - XXi

2. Dīghanikāya, ii :c

3. Samyuttanikāya, v: cxLviii – cxLix ; iv: cccxiv – cccci

4. Vinaya, i: xx - xxi

5. cf . Buddhist texts through the Ages, 1964, tr . and coment . by Edward Conze, Newyork , Evanston and London: Harper and Row public cation pp. 33 - 44

6. Brahma vihāra : the four sublime Attitudes

7. pal . metta; skt. Maitri; En. Kindness. Buddhist virtue of generous kindness and good will

8. pal & skt . karunā; En. compassion

9. pal. skt . muditā ; En. Sympathetic joy, empathy

10. pal & skt . Upekkhā; En . equanimity, fundamental Buddhist state of equilibrium in the mind

11. Muditā

و از این نگرش که هدفش عشق جهانی است، مراقبت کند و درجه‌ی عشق‌اش را با پرورش دادن تدریجی آن نسبت به همه و اینکه بین خود و دیگران تفاوت قائل نمی‌شود و برای آنان آرزوی نیکبختی می‌کند.<sup>۱</sup>

**اوپکھا:** اوپکھا<sup>۲</sup> در لغت به معنای درست دیدن و یکسان دیدن، آرامش و همدلی است. تساوی و ملامت کامل ذهن در دریافت خوشحالی یا رنج دیگران است، چنانکه در آن نه دلبستگی باشد و نه بیزاری. اوپکھا زداینده‌ی دلبستگی یعنی تشنگی و طلب و بیزاری است. اوپکھا هنگامی رخ می‌دهد که نیروانہ درک شود. یعنی درک کامل آن مستلزم آزادسازی دائمی از دلبستگی‌ها، نفرت و فریب و رهایی از تولد دوباره و درد و رنج می‌باشد. آئین بودایی تهروده به پرورش چهار حالت لایتناهی یا چهار مقام معنوی یا چهار نگرش متعالی تأکید کرده است که به شکل سیستماتیک در مکتب هینه‌یانه، کرونا به عنوان یکی از چهار نگرش شکوهمند به تصویر کشیده شده است. این ویژگی خصوصاً از طریق مراقبه تقویت می‌شود و بدون هیچ محدودیتی به افراد دیگر منتقل می‌شود. همدردی و غمخواری به اخلاق گرمای زندگانی می‌بخشد که بدون همدردی اخلاق مانند سنگ سرد است. همدردی و شفقت در ادبیات بودایی با محبت قرین است ولی متفاوت از آن بوده عبارت از آرزوی نجات یافتن و رهایی همگان از رنج و احساس همدردی با آنهاست و مقابل آن سنگ‌دلی است.<sup>۳</sup>

### اهمیت کرونا در مهیانه

کرونا (شفقت، ایثار و از خودگذشتگی)، مشخصه‌ی آئین بودایی مهیانه است که به جز راه هشتگانه که بودا برای توقف رنج یا رهایی از آن را مطرح نمود، بودائیان پس از او «راه بدهیستوه» را مطرح کردند. البته اندیشه‌ی بدهیستوه یا بودای آینده از همان آغاز پیدایش آئین بودا با الهام از زندگی تاریخی و اسطوره‌ای او مطرح شد، اما بسط و گسترش

---

1. Gethin, Rupert, 1998, the Foundation of Buddhist, London, oxford university press, pp. 186 – 187

2. Upekkhā

3. Harvey, peter, 2000, An Introduction to Buddhist Ethics: foundation, values, Issues, Cambridge: Cambridge university press, p. 104; Aranson, Harvey, 2008, pp. 79-80; (پاشایی، ۱۳۶۱ش، صص ۵۳-۴۸);

اصلی آن مرهون آئین مهیانه است. گسترش این آموزه در این آئین بر مبنای اصلی مهیانه که جمعی بودن نجات و نیاز به منجیان از سویی، و تأکید بر عنصر شفقت و محبت نسبت به دیگران از سوی دیگر، پیوند دارد. بدهیستوگان به دلیل شفقت و محبتی که نسبت به دیگران دارند دستگیری و نجات همه‌ی موجودات را هدف ساخته و از رهایی فردی که در شرایطی برای آنان می‌شود سرباز می‌زنند. مهیانی‌ها معتقدند که علت عظمت مکتب آنها در همین آرمان نهفته است و سبب برتری آنان بر آئین بودایی هینه‌یانه در این است که پیروان این شاخه فاقد چنین آرمانی در زندگی (آزادی و نجات سایرین) می‌باشند.

برجسته‌ترین نشانه‌ی کرونا، از میان بردن رنج و اندوه دیگران است و نه دلسوزی تنها. کرونا صرفاً ترحم نیست، هم حس شدن با همه‌ی موجودات است، رنج و شادی آنها را در وجود خود حس کردن است. در مقام کرونا ما نباید گرفتار رقت انفعالات، احساسات و عواطف بشویم. در تاریخ زندگی بودا آمده است: که ایشان در آستانه‌ی چهل سالگی می‌توانست به نیروانه بپیوندد ولی بر طبق آئین او برای پیوستن به آن مقام اراده هم لازم است. بودا از سر میل به نیروانه نپیوست و تا چهل سالگی ادامه داد و در راه نجات مردمان کوشید. این در حقیقت جلوه‌ای از همدردی و شفقت است. از همدردی است که حقیقت رنج همواره پیش چشم ما روشن و آشکار خواهد بود. بنیاد واقعی همدردی حقیقت رنج است، یعنی این حقیقت که موجودات همه از «ندانستن» دستخوش رنج‌اند، در حالی که نه ریشه‌ی واقعی آن و نه راه رهایی از آن را می‌دانند. برترین نمود همدردی و شفقت، نشان دادن راه‌های هشتگانه‌ی عالی به دیگران است. چون این راه آنان را به رهایی از رنج و به آزادی می‌برد. شفقت و همدردی مبنای راستین اخلاق و عشق است.<sup>۱</sup> همدردی چون مادری مهربان است که هر اندیشه، گفتار و کردارش همیشه برای کاستن و آرام کردن و از میان بردن نومی‌دی فرزند بیمارش است. کرونا با پرجنیا<sup>۲</sup> ارتباط دارد. اگر کرونا نباشد شناخت پدید نمی‌آید. پرورش فکری کرونا، برای مقابله با خشم بسیار تأثیرگذار است.

1. magee, Bryan, 1998, the Story of philosophy, London, derling Kindersley, p. 42.

2. pal . pañña ; skt . prajñā ; En. Wisdom, intuitive, apprehension

کرونا ویژگی ایثار برای برداشتن رنج دیگران دارد.<sup>۱</sup> تحقق کرونا منجر به پایان سنساره<sup>۲</sup> می‌شود.

در ویملاکیرتی سوتره<sup>۳</sup> آمده است که شفقت بدهیستوه از روی احساسات نیست بلکه از روی فرزاندگی است. احساسات فرد را دچار خستگی و وابسته به شرایط می‌کند در مقابل شفقت عظیم هرگز فرد را خسته نمی‌کند و فارغ از هرگونه احساساتی است و در آن ذهن فرد از هر نوع تعلقی آزاد است. بدهیستوه خود را با کره‌ی شخصی درگیر نمی‌کند. روزی ویملاکیرتی بیمار می‌شود. او در پاسخ علت بیماری خود می‌گوید: بیماری بدهیستوه از شفقت عظیم ناشی می‌شود و زمانی پیش می‌آید که نادانی باشد. نادانی در وجود موجودات هست. وقتی بیماری همه‌ی موجودات پایان یابد آن‌گاه بیماری من نیز پایان می‌پذیرد.<sup>۴</sup> راه بدهیستوه با پدیدار شدن بُدهی چیتّه<sup>۵</sup> یا دل بیدار و ذهن هشیار، یعنی اشتیاق برای بودا شدن برای رهایی خود و کمک به موجودات رنج‌کش آغاز می‌شود. بدهی چیتّه تجلی دهرمه‌کایه در ذهن آگاه و محدود ماست. در واقع حاصل ترکیب پرجنیا (معرفت) و کرونا (شفقت) است. جوهر بُدهی چیتّه عشق است. ناگار جونه می‌گوید: کسی که حقیقت بُدهی چیتّه را درک کند، همه چیز را با قلبی مهرورز مشاهده می‌کند. زیرا که عشق حقیقت بُدهی چیتّه است. و همین حقیقت عالیترین حقیقت وجودی بدهیستوگان است. بُدهی چیتّه در واقع یک نیروی کیهانی پویاست که در افراد مختلف به شکل‌های گوناگون و در درجات متفاوت خود را ظاهر می‌کند.<sup>۶</sup> بدهیستوه عهد و پیمان می‌بندد. البته تعداد و محتوای عهدها متنوع‌اند ولی می‌تواند روح اصلی همه‌ی آنها را در این جمله خلاصه کرد: عهد می‌بندم تا زمانی که حتی یک موجود باقی مانده باشد که رهایی نیافته، به نیروان‌هی نهایی وارد نشوم. این بدان خاطر است که در وجود هر موجودی حقیقت بودا شدن و اشراق یافتن وجود دارد و این حقیقت در تن و روح آن موجود محبوس است و اشتیاق

1. Aronson , 2008, p. 64

2. Samsāra

3. Vimalakirīti Sūtra

4. prophet , 2009, pp. 103-104 ; cf. 1976, vimalakirtiNirdesa sutra.

5. Bodhicitta, intelligence - heart

5. Prophet , Elizabeth Carle. 2009. The Buddhist Essence: Ten Stages to Becoming Buddha, Gardiner, Montana: Summit University Press, pp.23-24

برای رهایی آن حقیقت و شکوفاسازی آن همواره در نهاد موجودات وجود داشته است.<sup>۱</sup> بتدریج مقامات (بهومی<sup>۲</sup>) و کمالات (پارمیتاها<sup>۳</sup>) معنوی لازم برای ورود به نیروانه و مهمتر از آن برای بودا شدن را تحصیل می‌کند. زیرا بر اساس همان سوگند و تعهدی که دارد، مادامی که موجوداتی وجود دارند که رنج می‌کشند و به او نیاز دارند در جهان می‌مانند و از ورود به نیروانه خودداری می‌کنند و به طور خستگی‌ناپذیر با درک عمیق برای سودرسانی و منفعت همه موجودات کار می‌کنند. رشد آرامش و یقین درونی که منجر به معرفت درست می‌شود با یک توجه فعال و صادق برای دیگران که در درون شفقت عظیم گل می‌دهد، متوازن می‌گردد.<sup>۴</sup> منازل بدهیستوه و کمالات متناظر هر کدام به این ترتیب خلاصه می‌شود:

در منزل سرور، کمال بخشندگی؛ در منزل تطهیر، کمال اخلاق؛ در منزل درخشانی، کمال صبر؛ در منزل تابناکی، کمال کوشش؛ در منزل تسخیرناپذیری، کمال مراقبه؛ در منزل حضور، کمال فرزاندگی؛ در منزل فرارفتن، «کمال خبرگی در ابزار»؛ در منزل بی‌حرکتی، کمال ثبات عزم؛ در منزل اندیشه‌ی نیک، کمال قدرت و در منزل ابردهرمه، کمال معرفت تحقق می‌یابد. شفقت بدهیستوه با پارمیتای دانه<sup>۵</sup> ارتباط بسیار نزدیکی دارد. بدهیستوه‌ای که وارد ساحت نخست زندگی یعنی منزل سرور می‌شود علاوه بر داشتن کمالات و عدم فروگذاری هیچ کمالی باید کمال بخشندگی را به طرز برجسته‌ای نشان دهد. یعنی با شفقت نسبت به بخشیدن به موجودات دیگر سوق پیدا می‌کند زیرا در نیکی با آنها هم ریشه‌اند.<sup>۶</sup> برحسب متعلق بخشش، کمال بخشندگی را می‌توان بخشش مال، بخشش تعالیم، بخشش شایستگی و بخشش عشق فعال تقسیم کرد. و آنچه برای آنها مهم است عزم راسخ برای بخشش آزادانه بدون هیچ‌گونه مانع و حجاب ذهنی و روانی است.<sup>۷</sup>

1. prophet , 2009 , p.46

2. bhūmi

3. parmitās

4. shodhyanga , the Conception of the ten stages of the Buddhisattva, infilibnet . Ac . in , p.86

5. pal . Danna , skt . Dāna ; En . generosity or giving , a form of alms

6. the ten stages , p. 756

7. Geshe <http://www.Fp.mt.org>



زیرا بخشندگی حالت باطنی و عزم درونی است نه مال و دارایی بخشش شده. صفت ویژه و مشخصه‌ی برجسته‌ی بدهیستوگان، کرونا است، برخلاف طریق نیوشندگان و ارهت، شفقت بدهیستوه فراگیر است. زیرا بدهیستوه خود را از دیگر موجودات جدا نمی‌کند تا به آرامش کامل و نیروانه برسد. چون می‌خواهد موجودات دیگر را از بند نادانی و عطش نجات دهد و از روی شفقت فراگیرش هر شایستگی که به سبب اعمال نیکش کسب کرده باشد برای تعالی بخش رنج دیگران صرف می‌کند.<sup>۱</sup> به مایملک دیگران چشمداشت ندارند، قلب مهربانی دارند و در راه درست گام برمی‌دارند. ذهن فریبکاری ندارند، شدیداً به اصول اخلاقی پایدار می‌مانند و دیگران را هم به این کار ترغیب می‌کنند. هم چنین سرشار از شفقت هستند. با اطلاع از رنج موجودات موجب همدردی<sup>۲</sup> می‌شوند.<sup>۳</sup> ناگارجونه شفقت را حقیقت بدهیستوه می‌دانند. «اساس حقیقت بدهیستوه قلب مشفق عظیم<sup>۴</sup> است و همه‌ی موجودات متعلق محبت او هستند.» بدهیستوه به خاطر محبت و شفقت‌اش هرگز موجودات را در رنج و بدبختی رها نخواهد کرد.<sup>۵</sup> شانتی دوه، دعا می‌کند که نتیجه‌ی تلاش‌ها و خدمات او موجب رهایی دیگران از رنج و برخورداری آنها از ایمان و اخلاق و خرد و شفقت گردد. او حتی در عبارتی دعا می‌کند که رنج‌های دیگران بر او وارد شود، یعنی اینکه کرمه‌های بد دیگران را پذیرا گردد و فضایل خود را به آنها بخشد.<sup>۶</sup> در نهایت اینکه کرونا در آئین بودایی از اهمیت والایی برخوردار است:

در آئین هینه‌یانه (تهرواده) به هیچ وجه کرونا و همدردی با دیگران را نادیده نمی‌گیرند، اما تأکیدشان بر روشن‌شدگی فردی است و از این رو مورد انتقاد قرار می‌گیرند. در آئین مه‌ایانه نیز با آن که از فرزاندگی و فراشناخت غافل نیست اما تأکیدش بر کرونا به حدی آشکار است که در این موضوع بر آئین تهرواده سایه می‌اندازد. در آئین

1. Suzuki , 1907 , p. 282

2. Sympathy

3. the ten stages, pp.719-720

4. mahakarunācitta

5. Ibid , pp. 92-94

6. Harvey, Peter, 2000, An Introduction to Buddhist Ethics : Foundation, Values, Issues, Cambridge : Cambridge University Press, p.123

بودای مه‌ایانه، هدف از بدهیستوه شدن گسترش کرونا است. بدهیستوه بی‌وقفه بخشش و دهش را برای گسترش این آموزه ارزشمند انجام می‌دهد و آرزو می‌کند برای دستیابی به روشن‌بینی به خاطر نجات همه‌ی موجودات زنده اعمال ایثارگرانه انجام دهد و بودا شدن خود را به تعویق بیندازد. در مکتب مه‌ایانه، کرونا به عنوان مکمل لازم و ضروری برای پرچنیا و عنصر ضروری در تکامل کمال روشن‌شدگی<sup>۱</sup> مورد تأکید قرار گرفته است. جوهره‌ی دین بودایی مبتنی بر دو اصل بنیادین است که هر دو از اهمیت یکسانی برخوردارند: پرچنیا و کرونا. پرچنیا (معرفت) و کرونا (شفقت) به دو بالی تشبیه شده‌اند که با آنها فرد به جزیره‌ی روشن‌شدگی<sup>۲</sup> پرواز می‌کند. بدهیستوه با بکارگیری خبرگی در ابزار (اوپایه<sup>۳</sup>)، همان چیزی که بدهیستوه را قادر می‌سازد تا دو ویژگی پیشین را با یکدیگر هماهنگ و سازگار کند، بهترین روش و مناسب‌ترین آموزه را از سر شفقت و رحمت در صورتی که منافع موجودات اقتضاء کند به نقض احکامی بپردازد یا اعمالی انجام دهد که در شرایط عادی و برای افراد دیگر جایز نیست و موجب سرزنش است. اوپایه آفریده دل پر از مهر شفقت بدهیستوه است. مثلاً یک بدهیستوه حتی ممکن است برای کمک به دیگران عملی انجام دهد که فرجامش دوزخ باشد. یعنی راه بدهیستوه از کرونا، پرچنیا و اوپایه تنیده شده است.

در نماد و هنر مکتب مه‌ایانه، تجسم شفقت، بدهیستوه بزرگ اولوکیثوره<sup>۴</sup> است. توجه کرونا در مفهوم شونیه<sup>۵</sup> ریشه دوانده است یعنی اینکه همه‌ی تبعیضات خود و دیگران کنار گذاشته می‌شود، و به همه‌ی موجودات شفقت کامل و دلسوزی می‌ورزد. از طریق به کمال رساندن شفقت، مهر و دوستی است که هیچ موجودی را حقیر نمی‌شمارد. اگر از نظر معرفت شناختی نگاه کنیم، واقعیت پرچنیاست. اگر از نظر متافیزیکی تعبیر کنیم، شونیه (تهی‌گی) است. [پس شونیه، پرچنیاست و پرچنیا شونیه است]. شونیه و نیروانه همان دهرمه کایه است که بدهیستوه تجلی و مصداق کامل دهرمه کایه است. اما در مکتب

---

1 - the fully enlightened  
 2 - the Island of enlightenment  
 3 - Upāya  
 4 - the great bodhisattva Avalokiteśvara  
 5 - Sūnya

هینه‌یانه (تهرواده) هر چند که کرونا یکی از مقامات ارهت است، اما مشخصه‌ی اصلی او نیست. در حقیقت کرونا نقطه‌ی تفاوت نجات در هینه‌یانه و مه‌ایانه است.<sup>۱</sup> کسی که در پی آزادی مطلق خویش یا هم‌چون خاموش کردن شعله‌ی شمع، در پی محو فردانیت خویش است و کسی که می‌خواهد چونان تنها هدف و آرزو، باززایی و رنج خویش را متوقف سازد، نمی‌تواند مجالی برای ابراز دوستی عام داشته باشد. اما با آن که به نظر نمی‌آید آرمان دوستی و دلسوزی عام باوری رایج در میان هندوان یا پیروان مکتب هینه‌یانه بوده باشد، در مکتب مه‌ایانه این آرمان نقشی با بالاترین اهمیت را دارد. بنابراین، نوع دوستی، دلسوزی عام و شاد بودن با شادی دیگران و اندوهگین و غمگین بودن با رنج دیگران، اصل غالب است. (داسگوپتا، ۱۳۹۴ ش: ۸۹)

### اهمیت شفقت و محبت، رحمت در مکتب خراسان عرفان اسلامی

در عرفان اسلامی مفهوم واحدی را نمی‌توان جایگزین کرونا کرد. مفهوم شفقت و محبت و عشق و مهرورزی در آثار صوفیه مخصوصاً صوفیه‌ی مکتب خراسان بسیار به کار رفته است. مثلاً بهاء ولد الشفقه علی خلق الله را سبب ترک ظلم می‌داند و حتی تأکید می‌کند عدم شفقت بر خلق می‌تواند سبب نزول مرتبه‌ی انسان شود. وی شفقت بر خلق را دلیل و نشانه‌ی تعظیم الله می‌داند و چنانکه از کلام او برداشت می‌شود آن را هم‌چون وظیفه‌ی انسان در نظر می‌آورد، آنجا که می‌گوید: «اکنون الله کارت را پدید کرد و آن تعظیم شفقت بر خلق است.» (بهاء ولد، ۱۳۸۲ ش: ۵۵) عطار نیز مانند بهاء ولد، شفقت بر خلق را از تبعات تعظیم امرالله می‌داند. در بررسی آثار مولانا تجلی مفهوم شفقت و محبت و ایثار و عشق و مهرورزی را می‌بینیم. مولانا خود بزرگ‌بینی را یکی از عمده‌ترین موانع مدارا می‌داند خروج از دایره‌ی تنگ خودپرستی همان است و یکایک بنی آدم را من خویش شمرده و دوستدار بشریت گردیدن همان.

هر که بی من شد همه من‌ها خود اوست      دوست جمله شد چو خود را نیست  
آینه بی نقش شد یابد بها      دوست زانکه شد حاکی جمله نقش‌ها  
(م. ۵. ۲۵۶۶ و ۲۶۶۵)

گفت انسان پاره‌ی انسان بود پاره‌ای از نان یقین که نان بود  
(م. ۲. ۷۲۶)

چاره‌ی دفع بلا نبود ستم چاره احسان باشد و عفو کرم  
(م. ۶. ۲۵۹۰)

مولانا مهر و رقت و محبت را صفات انسانی آدمی در قبال خشم و کینه و شهوت که صفات خوی حیوانی است می‌انگارد و شیرمردان عالم که مددرسان مظلومان جهان‌اند، محض مهر و رحمت می‌پندارد و آن‌گاه که به وادی عشق با وصف دریای عدم می‌رسد زبان را قاصر شمرده و عشق‌ورزی را دلیل استواری و قوای عالم هستی دانسته و جان هر ذره را عشق می‌داند. کثرت تعاریف مفاهیم شفقت و محبت ... در اقوال صوفیه خراسان من جمله ابراهیم ادهم، ابوالقاسم قشیری و ابوعلی دقاق، احمد غزالی، محمد (ابوحامد) غزالی و ... بسیار است ذکر همه اینها در این مقال نمی‌گنجد. یکی از مفاهیم متناظر با کرونا در عرفان اسلامی، عشق و محبت است. مایه‌ی اصلی و جوهر حقیقی عرفان عشق است و آن ودیعه یا امانتی است الهی که بر دل سالک نهاده شده است و او را به سیر و سلوک برای رسیدن به سرمنزل اصلی وا می‌دارد. مفهوم عشق در قرآن کریم با واژه‌های حُبّ و مشتقات آن و گاه نیز واژه‌ی «وُدّ» به کار رفته است. حُبّ عبارت است از این که سرشت انسان به چیزی که از آن لذت می‌برد میل و رغبت داشته باشد، اگر آن میل تقویت شود عشق نامیده می‌شود و تا جایی می‌رسد که عاشق تمام آن‌چه را که دارد به خاطر متعلق عشقش می‌بخشد. (غزالی (ابوحامد)، ۱۴۲۲ق: ص ۴۲) و گویند که حُبّ گرفته‌اند از حِبّه بکسر الحاء و آن تخمی بود که در صحرا روید. حُبّ را بدین سبب حُبّ خوانند که او تخم حیاتست و همچنانک این حِبّ تخم نباتست. و گویند حُبّ آن چوبهای چهارگانه بود که بهم در گذارند تا سبو بر آن جا نهند. محبت را بدان سبب حُبّ نام کردند که عزّ و دُلّ از محبوب تحمل کند. و گویند که حُبّ اشتقاق از آن حب است حَبّ که آب درو کنند که چون پر شود هیچ دیگر را دراو راه نبود هم چنین چون دل به محبت پر شود هیچ چیز دیگر بغیر از محبوب در او گنج نبود، عاشق کدام، معشوق کدام؟ (قشیری، ۱۳۸۵ش: ۵۵۸)

اما ندانم که عاشق کدام و معشوق کدام؟ و این سر بزرگی است، زیرا که ممکن بود

اول کشش او بود، آن گاه انجامیدن این و اینجا حقایق بر عکس گردد ﴿وَمَا تَشَاءُونَ أَلَا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾ (سوره دهر / آیه ۳۰) و تا خدا نخواهد [ شما نخواهید خواست... یحبهم پیش از یحبونه بود. بلاشک. بایزید گفت: « به چندین گاه پنداشتم که من او را می خواهم، خود اول او مرا خواسته بود. » (غزالی (احمد): ۱۰۳) معروفترین جایی که در قرآن از عشق سخن رفته است، به عشق دوسویهی خداوند و مؤمنان اشاره شده است ﴿يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ (سوره مائده / آیه ۵۴) شیخ احمد غزالی کتاب سوانح را تیمناً با قسمتی از این آیه آغاز می کند. بدین واسطه رابطه ی حبّ و عشق را مطرح می کند. این آیه همواره مورد توجه اهل ذوق و تحلیل عارفان بوده است و نکات نغزی در ذیل این آیه گفته شده است و دفترها سیاه کرده اند. از جمله عین القضاة همدانی آن را احسن القصص خوانده است. مبداء شروع عشق محبت است. عشق را محبت مفرط یا کمال محبت و نتیجه ی محبت دانسته اند. محبت تعلق دل است بین همت و انس، از نخستین وادی های فناست. چنانکه نصرآبادی گفته است: « محبت الله تعالی به مواظبت بر نوافل یافته می شود قربت او به ادای فرایض حاصل گردد. (کلابادی، ۱۳۷۱ ش: ۴۱۹)

در قرآن کریم واژه محبت یک بار آمده است: ﴿وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي﴾ (سوره طه / آیه ۳۹) (در رابطه با حضرت موسی (ع) است). اما مشتقات آن ۹۴ بار به کار رفته است. عارفان جایگاه برجسته ای برای عشق قائل بوده اند و تأکید بسیار ویژه ای بر آن داشته اند تا فیلسوفان و گوهر ایمان را عاشقی دانسته اند. منشاء و خاستگاه محبت از نظر اسلام به دلایل عقلی و نقلی ثابت شده است که محبت ثمره ی معرفت است و هر که را معرفت به ذات حق تعالی بیشتر باشد محبت او کاملتر است. بدانکه بنای جمله ی احوال عالیه بر محبت است و هم چنانکه بنای جمیع مقامات شریفه بر توبه است. از آن جهت که محبت محض موهبت است، جمله احوال را که مبنی اند بر آن مواهب خوانند. (عزالدین کاشانی، ۱۳۸۸ ش: ۴۰۴) در قرآن کریم عشق به خداوند، وصف انسان مؤمن است و عشق نسبت با ایمان دارد: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ (سوره بقره / آیه ۱۶۵)

راه عشق ورزی انسان به خداوند از طریق پیروی از فرامین اوست. ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ؛ بگو خدای را دوست می دارید پس

روی به من کنید تا حق تعالی شما را دوست دارد و گناهان شما را بیامزد) (سوره آل عمران/ آیه ۳۱) نهایت عشق و محبت عبارت است از عشق عارف به تمامی موجودات جهان به عنوان آثار معشوق و جلوه‌های معشوق. عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست. تکثرات عالم تجلیات آن کل حقیقی‌اند. عارفی که در پی بدست آوردن عشق آن کل است لاجرم بر تمامی موجودات عالم عاشق می‌شود. ثمره این عشق و محبت رفتار عاشقانه و شفقت‌آمیز با تمامی موجودات است از طبیعت بی جان تا گیاه و حیوان و انسان. یعنی موجودات عالم (به تعبیر عرفا) خلق الله همه از اویند و همه نسبتی با خداوند عالم و منشاء عالم دارند. از دیگر مفاهیم مرتبط، رحمت است. خداوند متعال خود را در قرآن کریم با صفات زیادی به بندگان خویش معرفی فرموده است؛ صفاتی که هر کدام جلوه‌ای از جمال و جلال الهی را به نمایش می‌گذارد. صفت رحمت یکی از این صفات است که در بیش از ۵۰۰ آیه از آن سخن به میان آمده است. در فص شانزدهم فصوص الحکم (فص سلیمانی) یکی از مسائل برجسته مطرح شده، رحمت الهی است یعنی بحث در معنا و اقسام آن می‌باشد. ابن عربی بر اساس دو نام الهی، یعنی رحمان و رحیم که در نامه ی سلیمان به بلقیس از آنها یاد شده و نیز در آغاز هر سوره‌ای از قرآن کریم وارد شده است یک اندیشه‌ی فلسفی بنا می‌کند که از بارورترین اندیشه‌ها در عرفان اوست. به لحاظ لغوی میان این دو اسم فرق چندانی نیست، اما این دو اصطلاح خاص ابن عربی با دو اعتبار برای دلالت حق به کار می‌روند که نهایت اختلاف را با یکدیگر دارند. «رحمان» یعنی بخشنده‌ی رحمت امتنان و «رحیم» یعنی بخشنده‌ی رحمت و جوب. رحمت امتنان همان رحمت فراگیری است که همه‌ی خلق را در بر می‌گیرد که بر هر موجودی وجودی خاص او داده می‌شود، بدون اینکه در برابر چیزی یا عوضی داشته باشد. این همان رحمتی است که در قول حق تعالی به آن اشاره شده است. ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾ (سوره اعراف/ آیه ۱۵۶)

اما رحمت و جوب آن رحمتی است که حق بر خویش واجب کرده است. (عفی‌فی، ۱۳۸۶ ش: ۲۶۱-۲۵۹) ﴿كُنْتُ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ﴾ (سوره انعام/ آیه ۱۲) با ترکیب نام الرحمن و الرحیم دو صفت عاشقانه می‌توان فهمید هیچ چیز در نهایت نمی‌تواند از رحمت

خدا جدا باشد محقق یهودی ابن - شمش<sup>۱</sup> تا جایی پیش می‌رود که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را به صورت به نام خداوند بخشنده و عزیز ترجمه می‌کند تا این جنبه کلیدی عشق را مناسب ریشه رحمت القا کند. به علاوه شواهد کتبی وجود دارد که اولین فرقه‌های مسیحیان در جنوب عربستان از واژه رحمانان به عنوان خدا استفاده می‌کردند که احتمالاً به معنای مهربان است.<sup>۲</sup> رسول خدا (ص) که خداوند متعال، عالم را به خاطرش خلق نموده است، نسبت به تمام موجودات رحمت داشته و فلسفه‌ی رسالتشان رحمت به همه‌ی موجودات بود و خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (سوره انبیاء/آیه ۱۰۷) در فصوص‌الحکم در فص دوم (فص شیثی)، شیث فرزند آدم است. شیث به منزله‌ی رحمانیت و بخشش خدا در حق آدم و اولاد اوست. شیث رمز رحمت و بخشش خداوند است. زیرا پس از کشته شدن هابیل، خداوند شیث (واژه عربی به معنی بخشش) را به او داد که موجب ادامه‌ی نسل آدم شود. کلمه‌ی شیثی نماد عطا‌ی الهی است. این عطا از سویی به استعداد موجودات بستگی دارد و نه به خدا، و از طرفی به خدا بستگی دارد که عین ثابته را برای او ثابت گردانیده است. (نک: فصوص‌الحکم، شیثی) رسول خدا (ص) سفارش نمود: «تخلوا باخلاق الرحمن». در حدیثی به این مضمون آمده است: «مؤمنان نسبت به هم رحمت، محبت و عاطفه‌ی متقابل دارند و مثل اعضای یک پیکرند.» (بقلی شیرازی، ۱۴۲۶ق: ۶۷-۶۶)

خداوند به انبیاء و اولیاء رحمت را پیش از علم عطا فرموده است: ﴿آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَ عَلَّمْنَاهُ مِمَّا لَدُنَّا عَلِماً﴾ (سوره کهف/ آیه ۶۵) رحمت در قلب جای دارد و از قلب جاری می‌شود. هر کسی که به معرفت خدا برسد بر همه‌ی بندگان خدا رحمتش را جاری می‌سازد. سالکی که رحمت جزوی دارد اگر بخواهد هدایت‌گر شود لازم است به رحمت کل الهی پیوندد و رحمت فراگیر داشته باشد. یکی دیگر از مفاهیم، ایثار و از خودگذشتگی است. ﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾ (سوره حشر/ آیه ۹) خواجه عبدالله انصاری در منازل‌السائرین، یکی از منازل سلوک را ایثار و فداکاری

1. Ben- shemesh

2. ShahKazemi, Reza, 2010, Common Ground between Islam and Buddhism, Canada, Fonsvitare, p.94

می‌داند و در باب آن می‌نویسد: «ایثار سه درجه دارد: نخستین درجه آن است که دیگران را تا جایی که دین تو را تباه نسازد، راحت را نبندد یا وقتت را تباه نکنند، بر خود مقدم بداری، این کار به سه کار حاصل می‌شود: بزرگ شمردن حقوق دیگران، بیزاری از خست و شیفستگی به مکارم اخلاق دوم ایثار کردن رضای دیگران است مررضای خدای تعالی را حتی اگر در اثر آن محنت‌ها بزرگ شود و بارها (ی زندگی) گران آید و از آن سروسامان و تن ناتوان گردد و این به سه چیز آماده گردد: نیکویی بازگشت (به سوی او) نیکویی اسلام (و تسلیم به او) و قوت صبر درجه سوم ایثار کردن است، ایثار را به خدای تعالی زیرا که خوض کردن تو در ایثار خودت، دعوی کردن در مالکیت است (یعنی ایثار از روی خودخواهی) و ترک کردن توسست رویت ایثار خدای را، و ناپدید شدن توسست در آن گونه ترک کردن.» (خواجه عبدالله انصاری، ۱۳۸۹ش: ۱۲۱) در کتاب صد میدان هم، میدان شصت و پنجم ایثار است. یکی دیگر از مفاهیم، شفقت است. شفقت نوعی مهربانی همراه با دلسوزی است یعنی مردم به آنچه که از تو طلب می‌کنند عطا کنی و آنان را بر آنچه که توان ندارند مجبور نمایی. یا گفته‌اند: شفقت عبارت است از آن که جز به خوشی دوستان خوشحال نباشی و جز به ناراحتی آنان ناراحت نشوی. (السلمی، ۱۳۶۹ش: ۲) شفقت مریدان و عارفان متفاوت است.

اصطلاح شفقت: دوستی بر پایه و اساس شفقت<sup>۱</sup> بنا نهاده شده است که عصاره اصلی دوستی است شفقت با دلسوزی، همدلی<sup>۲</sup> و همدردی<sup>۳</sup> تفاوت بسیاری دارد. می‌توانیم بگوئیم که دوستی رابطه‌ای دوطرفه است مبتنی بر نیک‌خواهی و نیک‌اندیشی که در آن بارقه‌ای از شفقت به دیگری وجود دارد. شفقت یک مفهوم تکنیکی است که با تمام شباهت و نزدیکی معنایی که به دو واژه‌ی همدردی<sup>۴</sup> و همدلی<sup>۵</sup> دارد، دارای تفاوت عمده- ای با آنهاست. در شفقت عامل فاعلیت agency وجود دارد؛ به این معنا که وقتی شخصی به دوست خود شفقت دارد، درد او را درک می‌کند و برای کاهش درد و بهبود و کیفیت زندگی دوست خود «اقدام فعّالانه» انجام می‌دهد، ولی در همدلی و همدردی اقدام فعّالانه

- 
1. compassion
  2. sympathy
  3. pathy
  4. sympathy
  5. pathy



برای کاهش درد صورت نمی‌گیرد به عبارتی در همدلی و همدردی فقط بخش «شناختی» و «احساسی و هیجانی» درگیر می‌شود ولی در شفقت‌ورزی بخش «رفتاری» نیز فعال است. شفقت مریدان رقت قلبی است که خداوند در دل‌های آنان قرار داده؛ اما شفقت عارفان شفقتی است که از نگاه و شهود حق به وصف کرم و عطای واسع او حاصل می‌شود. (بقلی شیرازی، ۱۴۲۶ق: ۵۹-۵۸) مرتبه‌ی عالی شفقت، مرتبه انبیاء و بزرگان اهل معرفت است. آنان می‌دانند که هر کس توان رسیدن به حقایق را ندارد. از این رو به خاطر کرم و رحمتی که خدا به آنها عطا کرده بر دیگران ترحم می‌کنند. رسول خدا (ص) بالاترین عبادت را تعظیم امر خدا و شفقت بر مخلوقات می‌داند. این شفقت فقط شامل حال انسانها نمی‌شود بلکه همه‌ی موجودات. گویند شبلی انبانی گندم می‌خرد و پس از طی مسیری طولانی در می‌یابد که موری را در آن انبان با خود آورده و سرگشته کرده است. سعدی گوید:

ز رحمت بر او شب نیارست خفت      به مأوای خود بازش آورد و گفت  
مروّت نباشد که این مور ریش      پراکنده گردانم از جای خویش  
(بوستان باب دوم در احسان)

یکی دیگر از مفاهیم، مهرورزی می‌باشد. مهرورزی شامل دو عمل دوست داشتن (که یک طرفه است) و محبت کردن (که دو طرفه است) به چیزی یا کسی که متعلق به آدمی است، نثار می‌شود. در یک سیر منطقی، روند افزایش شوق و میل به شفقت خلق و دوست داشتن پدیده‌های جهان هستی از دوست داشتن یک طرفه به محبت متقابل دو طرفه و آنگاه به عاشقی و سرانجام به اتحاد با معشوق ختم می‌گردد. عشق‌ورزی مقامی فراتر از مهرورزی است و یک نوع از خود گذشتن و ایثار است. البته محبت و عشق در بخشش و انفاق نهفته است و مهر و محبت را در پی دارد. الانسان عیب الاحسان. ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (سوره آل عمران/ آیه ۱۳۴) محبت و شفقت انسان به هم‌نوع از مظاهر عشق الهی است و صائب تبریزی چه نیکو گفته است:

من از چشمان خود آموختم درس محبت      که چون عضوی به درد آید به جایش دیده می‌گرید  
کل عالم از طریق نفس الرحمان وجود یافته است. بنابراین جهان مورد نظر اسلام

غرق در بحر رحمت است. عارفان که طالب ورود به حقیقت‌اند بر رحمت و رحمانیت خداوند که بر غضب او سبقت دارد تأکید می‌ورزند. عارف به همه عشق می‌ورزد و عشق و محبت است که انسان را از دیگر موجودات عالم حتی فرشتگان متمایز می‌سازد. استیس می‌گوید: تجربه‌ی عرفانی و معنوی بنیاد فهم، معرفت و عمل اخلاقی است. تجربه‌ی عرفانی و یکی دانستن و یکی دیدن هستی سرچشمه‌ی کردار اخلاقی به شمار می‌رود. جدا انگاشتن نفوس موجب خودپرستی و خودخواهی می‌شود. اما انسانی که تجربه‌ی اتحاد را از سرگذرانده است، همه‌ی مخلوقات را بخشی از آن واحد می‌داند و به همه عشق می‌ورزد. یعنی شهود عرفانی، عارفان را از منیت و خودگروری و خودمحوری آزاد می‌کند و آنان را به دگرخواهی و شفقت بر خلق فرا می‌خواند. (استیس، ۱۳۸۴ ش: ۳۴۲ - ۳۳۹) و همان‌طور که خداوند متعال را دوست دارد مخلوقات او را هم دوست دارند.

### مقایسه و نتیجه‌گیری

از دیدگاه مکتب مه‌ایانه‌ی بودایی، در سیر نزولی وجودی حقیقت واحد نورانی ابتدا در پیکر دهرمه کایه سپس سمبوگه کایه و در نهایت پیکر نیرمانه کایه متجلی می‌شود. آموزه سه پیکر بودایی با آموزه‌ی صدور نوافلاطونی و تجلی وجودی در قوس نزول و تعالی وجودی در قوس صعودی قابل تطبیق است. پیکر دهرمه کایه پیش از تجلی معادل مقام احدیت تجلی نیافته است و در حالت تجلی یافته معادل «الاول» یا «الباطن» یا «الازل» یا همان حقیقت محمدیه است. آنچه در بودیسم اولیه به طور ضمنی و تلویحی باقی مانده است به طور صریح در اسلام و سنتهای مه‌ایانه مانند جودوشین<sup>۱</sup> هر دو بکار رفته است. در این دو سنت خالق چیزی نیست به جز «شفقت کامل» یا عشق به همه. تعالیم مکتب تهرواده درباره کرونا بیشتر روانی و فردی به نظر می‌رسد ولی در مکتب مه‌ایانه کیهانی و جهانی است. شفقت انسان مانند شفقت خداوند به همه‌ی مخلوقات است. ولی شفقت الهی مطلق و نامحدود است در حالیکه شفقت انسانی نسبی و محدود است. اصل این صفت یکی و مشابه است تنها میزان وجودی آن و چگونگی موضوع درجه‌بندی است. ارتباط بین صفت الهی و تجلی انسانی با دو اصل ظاهراً متناقض تشبیه و تنزیه منعکس می‌شود. ولی اسلام و بودا در مرکزیت این عشق دلسوزانه بهم مشابه هستند و برای هر دو سنت این کیفیت انسانی از

پروردگار جدایی‌ناپذیر است که منبع این عشق است و آن را هدایت می‌کند.<sup>۱</sup> در مکتب مه‌ایانه‌ی آئین بودا و تصوف خراسان دو مکتب راز‌گرایانه، که اهتمام خود را فروکاستن رنج انسانها و تقلیل مرارت‌های آنان دانسته‌اند. و اصل شفقت را به عنوان مبنا اختیار کرده‌اند. البته در خراسان قدیم نشو و نما و شکوفایی و تحوّل آئین بودا بیشتر ناشی از حمایت بازرگانان مسافری بود که به دیرها بقاع بودایی بذل و بخشش می‌کردند. پس از ظهور اسلام، بودیسم به شکل ظاهری از این دیار رخت بر بست. اما سنت و عناصر فرهنگ بودایی در اشکال و آموزه‌های اخلاقی در بستر تصوف ایرانی متبلور و متجلی شد. این هم‌جواری جغرافیایی و به سبب مجاورت فرهنگی در مناسک و مفاهیم عارفان مکتب خراسان از عرفان بودایی تأثیر پذیرفتند. این اندیشه‌ی کرونا (شفقت و همدردی) در اقوال و افعال صوفیان خراسان خود را نشان داده است. در حوزه‌ی عرفان اسلامی - عرفان مکتب بغداد از این واقعه و تأثیر آن برکنار مانده است. شفقت از جهت معنا در بودایی و اسلام هم پوشانی نسبی دارد با این تفاوت که مفهوم شفقت در بودایی وسیع‌تر از نظیر اسلامی‌اش است. مفهوم عشق یا محبت فراگیر در سنسکریت (میتری) و در پالی (متّا) به معنای رحمت، محبت و خیرخواهی است به عقیده سوزکی کرونا معادل عشق به معنای مسیحی و اسلامی‌اش نیست بلکه به معنای محبت همراه با دلسوزی است. اما اگر عشق را به معنای قربانی کردن خود به خاطر دیگران بدانیم، در آن صورت این واژه معادل عشق می‌شود.<sup>۲</sup> شفقت بدهیستوه شفقت فراگیر است. شخص بدون شفقت فراگیر مانند خاکستر سرد به جای مانده از آتش است. شفقت در ادبیات بودایی با محبت قرین است، ولی متفاوت از آن بوده عبارت است از آرزوی نجات یافتن و رهایی همگان از رنج و احساس همدردی با آنهاست و مقابل آن سنگ‌دلی است آن‌چنانکه مه‌ایانه بر شفقت تأکید کرده و هدایت موجودات به سوی نجات را به عنوان یک اصل مهمی فرضی کرده در عرفان اسلامی مورد توجه قرار نگرفته بلکه به عنوان امری استحبابی تلقی شده است. با این حال مطالعه‌ی سیره‌ی عملی عرفا حاکی از آن است که آنها نسبت به هم شفقت عام داشته‌اند. محبت در بودایی و اسلام از جهت معنا یکی است ولی از جهت مصداق کاملاً متفاوت است. متعلق

---

1. shahkazemi , 2010 , p.94

2. Suzuki , 1907 , 296 - 297

عشق عرفانی حضرت حق است، و از آن طریق است که در موجودات نیز سریان می‌یابد: النَّاسُ عيال الله و یا عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست. اما متعلق عشق بودایی تمام موجودات است.

اصطلاح دیگر قابل مقایسه با کرونا بودایی رحمت است. رحمت از اسماء الهی است و بر هر چیزی وسعت و سبقت دارد و همه‌ی عالم و موجودات را فرا گرفته است. این مفهوم در متون اولیه کتاب مقدس پالی تا حد زیادی به صورت تلویحی ذکر شده است. می‌توان شاهد عملکرد مشابهی با مه‌ایانه‌ی بودایی که در آن شفقت نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند و بسیار اساسی کیهانی و اخلاقی در نظر گرفته شده است که به بودا و بوداها انگیزه می‌دهد.<sup>۱</sup> در اسلام تمامی اعمال را نه تنها اعمال مذهبی با بسم‌الله آغاز می‌کنند. مناسب است که تمام اعمال با نام رحمت آغاز می‌شود. در کل مفهوم بودایی محبت فراگیر با مفاهیم عشق و رحمت در عرفان اسلامی و آموزه‌ی کرونا در عرفان بودایی با شفقت در عرفان اسلامی قابل مقایسه‌اند. اندیشه مدارا و شفقت و مهرورزی در هر دو دین مورد توجه قرار گرفته است. کیفیت شفقت عاشقانه برای مسلمانان و بودایی‌ها، در هر دو به عنوان هسته‌ی شخصیت فرد در نظر گرفته می‌شود. در دو دین بزرگ اسلام و بودایی با داشتن پیروان بی‌شمار بخش‌های گسترده‌ای از مشرق زمین را تحت تأثیر قرار داده‌اند و همواره شفقت و مهرورزی مورد اهتمام بوده و این مسئله از نظر علمی، یکی از جنبه‌های مهم اسلام و آئین بوداست و هم از نظر عملی در جامعه (وحدت‌طلبی و صلح‌طلبی) از اهمیت والایی برخوردار است. و اینکه تمامی مخلوقات جهان را از توجه همراه با شفقت خود بهره‌مند کنیم که زمین خالی از دردسر و دشمنی و بدبختی شود. بودا به پیروانش می‌آموزد که شفقت را ترویج دهند به گونه‌ای که به «فضایی که نمی‌تواند رنگ شود» یا «رود گنگی که نمی‌تواند سوخته شود» مبدل شود.<sup>۲</sup> در اینجا مشاهده می‌شود که صفت اخلاقی شفقت بدون استثناء بر تمامی موجودات گسترده است و به روش‌های آموزشی، روانشناختی یا فردی منجر می‌شود. بودا «آزادی ذهن» را کاملاً ساده به عنوان شفقت تعریف می‌کند.<sup>۳</sup> آزادی ذهن، عشق و شفقت است چون ذهنی که لبریز از شفقت است از

1. Shahkazemi, 2010, p. 101

1 - majjhima Nikāya, 1: 27

2 - Anguttra Nikāya, 1: 4

تمامی عوامل نامطلوب خشم و خودخواهی آزاد است چرا که افرادی که منکر وجود خداوند هستند و به او ایمان ندارند رحمت خداوند شامل حالشان می‌شود. انسان باید بتواند این صفت الهی را در خودش منعکس کند و با شفقت و مهربانی رفتار کند. عشق دیگر خواهانه و رویکرد پلورالستیکی و آزاد اندیشی در عرفان و تصوف باعث شده است که زمینه‌ی شهود و گرایش عارفان به وحدت وجود و اینکه همه‌ی مخلوقات را از آن واحد بدانند که نتیجه‌ی آن شفقت به همه‌ی مخلوقات است به علاوه این موضوع نیز در اندیشه‌های بودایی وجود دارد. انسان هر چه در راه سلوک بالاتر رود در مقام تعظیم امر خدا درجات بالاتری را کسب کند، شفقت او بر خلق بیشتر می‌شود در مهاستوه (تعالیم عشق) در کتاب مقدس پالی گفته شده است: شخص باید با ذهنی بدون مرز به تمامی موجودات عشق بورزد، دوستی را بدون هیچ‌گونه محدودیتی در تمام جهان و تمام اطراف متشعشع سازد. یعنی وقتی که من به موجود زنده‌ی دیگری محبت و شفقت دارم به این معناست که با او هم‌احساسم. یا احساسات او را درمی‌یابم. من و تویی از میان می‌رود. شفقت یک احساس آهسته و تدریجی است به سوی محو هویت فردی در نفس کلی. این سیر در ذات عرفان است و عارفان را از خود‌گروی و خود‌محوری آزاد می‌کند و آنها را به دگرخواهی و شفقت بر خلق فرا می‌خواند. همین رفتار مشفقانه یکی از مهم‌ترین اصل روابط انسانی است. که آثار و نتایجی را در پی دارد. نتایج فردی: شفقت، عامل تلطیف روح و تصفیه‌ی نفس، سلامت روح و روان. نتایج اجتماعی: در خانواده در فرایند تعلیم و تربیت، در جامعه همانا صلح و امنیت است چیزی که جامعه جهانی بیش از هر چیز در حال حاضر به آن نیازمند است. از این جهت کرونا (عشق و شفقت و ...) بسیار با اهمیت است.

## فهرست منابع

### منابع فارسی

- (۱) قرآن کریم.
- (۲) استیس، و.ت، ۱۳۸۴ ش، عرفان و فلسفه، ترجمه: بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: سروش، چاپ ششم.
- (۳) السلمی، ابو‌عبدالرحمن محمدبن الحسینی، ۱۳۶۹ ش، مجموعه آثار السلمی، ۳ جلد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- (۴) بقلی شیرازی، روز بهان، ۱۴۲۶ق، مشرب الارواح، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- (۵) بهاء ولد، محمدبن حسین خطیبی بلخی، ۱۳۸۲ ش، معارف بهاء‌ولد، تصحیح: بدیع الزمان فروزانفر، تهران: طهوری.
- (۶) پاشایی، علی، ۱۳۶۱ ش، بودا، تهران: مروارید.
- (۷) خواجه انصاری، عبدالله بن محمد، ۱۳۸۷ ش، منازل السائرین، ترجمه: عبدالغفور روان فرهادی، به کوشش: محمد عمار مفید، تهران: مولی، چاپ سوم.
- (۸) داسگوپتا، سورندرانات، ۱۳۹۴ ش، سیر تحول عرفان هندی، ترجمه: ابوالفضل محمودی، تهران: سمت، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول.
- (۹) صابری، علی محمد، ۱۳۹۰ ش، سلطان عشق، بررسی آراء و اندیشه‌های شیخ احمد غزالی توسی، تهران: علم، چاپ اول.
- (۱۰) عزالدین کاشانی، محمودبن علی، ۱۳۸۸ ش، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، تصحیح و مقدمه و تعلیقات: جلال‌الدین همایی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دهم.
- (۱۱) غزالی، احمد؛ باخرزی سیف‌الدین، ۱۳۸۵ ش، دو رساله‌ی عرفانی در عشق، به کوشش: ایرج افشار، تهران: مینوچهری، چاپ سوم.
- (۱۲) عیفی، ابوالعلاء، ۱۳۸۰ ش، شرحی بر فصوص الحکم، ترجمه: نصراله حکمت، تهران: الهام.
- (۱۳) قشیری، عبدالکریم بن هوازن، ۱۳۸۵ ش، رساله قشیریه، تصحیحات و استدراکات: بدیع الزمان فروزانفر، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ نهم.
- (۱۴) کلاباذی، ابوبکر محمد، ۱۳۷۱ ش، تعرف، به کوشش: محمد جواد شریعت، تهران، اساطیر، چاپ اول.
- (۱۵) مولوی، جلال‌الدین محمد، ۱۳۷۱ ش، مثنوی معنوی (براساس نسخه‌ی نیکلسون)، تهران: نشر

بهباد.

۱۶) ولفگانگ شومان، هانس، ۱۳۶۲ش، آئین بودا: طرح تعلیمات و مکتب‌های بودایی، ترجمه: ع. پاشایی، تهران: مروارید، چاپ اول.

### منابع انگلیسی

- 1) Aronson, Harvey B ,2008, Love and Sympathy in Theravada Buddhism, Delhi, Motial, Banarsidass.
- 2) Bowker, john(ed), 1997, The Oxford Dictionary of Religions, New York, Oxford University Press.
- 3) Buddhist Text through the Ages, 1964, Tr and coment. By Edward Conze, New York, Evanston and London: Harper and Row Publication.
- 4) shodhyanga , “ the Conception of the ten stages of the Buddhisattva” , infilibnet . Ac . in
- 5) Chitkara, M.G, “bodhisattva philasaphy” Encyclopedia of Buddhism: A world faith main currents in Buddhism , New Delhi , A .P. H , publishing corporation.
- 6) Dhammapada the way of the Truth, translated : from the Pali by sangharakshita, published by wind horse publications ISBN.
- 7) Flower Adornment Sutra(AvatamsakaSura) The Pure Conduct, 1982, Chap. 11, tr, from Chin. Buddhist text translation Society, eds. Bhikhshuni Heng Ch`ih, Upasika Kua Tsai, Dharma Real Buddhist University, Buddhist text Translation Society.
- 8) Gethin , Rupert , 1998 , “ the Foundation of Buddhist” , London , oxford university press
- 9) Harvey, Peter,1990, An Introduction to Buddhism, Cambridge, University Press.
- 10) \_\_\_\_\_, 2000, An Introduction to Buddhist Ethics: foundation , values , Issues , Cambridge: Cambridge university press.
- 11) Irons, Edward A (ed), 2008, Encyclopedia of Buddhism, Newyork, facts on file.
- 12) Makaransky, john, 2012, compassion in Buddhist psychology, ed:by christaphek, Germer and Ronald D , Sigel, Guilford Press.
- 13) Magee, Bryan, 1998, The Story of Philosophy. London, Dorling Kindersley.
- 14) Nyanatiloka, ven, (ed), 1980, Buddhist Dictionary, manual of Buddhist terms and Doctrines, Buddhist publication society.
- 15) Prophet , Elizabeth Carle, 2009, The Buddhic Essence: Ten Stages to Becoming Buddha, Gardiner, Montana: Summit University Press.
- 16) ShahKazemi, Reza, 2010, Common Ground between Islam and Buddhism, Canada, Fonsvitare.
- 17) Suzuki, Daisetz Teitaro,1907, Outline of Mahayana Buddhism, London : Luzac and company.
- 18) The lotus sutra, 2009, Translation and introduction by Gene Reeves, Boston, Wisdom Publications.

- 19) The Sutta-Nipata, a Collection of Verses Being One of the Canonical Books of the Buddhists, 1881, tr. V. Fausboll, in The Sacred Books of the East, Volume 10 part 2, ed. F. Max. Muller, Oxford: Clarendon Press.
- 20) The Ten Bhumis, “ The Stages of Bodhisattvahood” <http://www.heartspace.Org/writings/traditional/TenBhumis.html>.
- 21) “The Ten Perfections”, <http://www.dhammatalks.org/Archiv/Writings/StudyGuides/TheTenPerfections.Htm>
- 22) The Ten Stages: Book Twenty Six of Avatamsaka Sutra, Pdf downloaded from: <http://www.scribd.Com/doc/79020490/Avatamsaka-Sutra-Flower-Garland-Sutra-3-4>
- 23) Thomas, Edward j, 2000, The History of Buddhist thought, Newyork, Dover Publications.
- 24) Williams. paul, 2002, Buddhist Thought, London and Newyork, Routledge.
- 25) \_\_\_\_\_, 2009, Mahayana Buddhism: the Doctrinal Foundations, London and New York: Routledge.